

جزوه جامع عربی

دوپینگ ۱

ویژه دوران جمع بندی

مؤلف : میثم کرمی

حسین شجاع الدینی

نکته ۱: اسم از نظر تعداد

برخی اسم ها و برخی جمع های مکسر به "ان - ون - ين - ات" ختم می شوند، ولی باید توجه داشته باشیم که آن ها را با اسم های مثنی و جمع های مذکر و مونث سالم اشتباه نگیریم.

طریقه تشخیص آن؛ اگر با حذف این علامت ها به اسمی دارای معنا رسیدیم، بنابراین علائم نشانه مثنی و جمع سالم اند، در غیر این صورت مثنی و جمع سالم نیستند.

مانند: اوقات که با حذف "ات" به کلمه "اوق" می رسیم که بی معناست، بنابراین جمع مکسر است.

این اسم ها عبارتند از؛ **غضبان، رحمان، عطشان، قانون، قارون، هارون، اوقات، اموات، ایبات، اصوات، الوان، احزان، ادیان، التفات، قوانین، براهین، شیاطین، دوانین، مساکین و...**

نکته ۲: نون وقایه

در تشخیص "ن" وقایه باید به این نکته توجه داشته باشیم که "ن" به جز ریشه فعل نباشد.

پس "ن" در ترکیب "نی" حتما نون وقایه نیست.

فوت کوزه گری؛ اگر با حذف "نی" به فعلی با معنای مشخص رسیدیم، آن "ن" وقایه و ضمیر بعد از آن مفعول به است.

حال اگر دارای معنا و مفهوم نبود، "ن" جزء خود فعل است و "ن" وقایه نیست.

عَلَّمَ + ی ⇐ عَلَّمَنِي ⇐ چون "ن" جزء ریشه در فعل نیست.

لا تحزنی ⇐ با حذف "نی"، "لا تحز" بی معناست پس "ن" جزء خود فعل است و "یاء" فاعل است.

● نون وقایه بر سر برخی حروف و افعال می آید اما بر سر اسامی نمی آید: **عَنِي** ⇐ **عَن + نی**

● نون وقایه میتواند بر سر برخی حرف مشابه هم داخل شود؛ **لِيت، إن، أن**

به افعالی که نون جزء حروف اصلی خود فعل است توجه کنید؛ **ضمن، حسن؛ شحن و..**

نکته ۳: مبتدا و خبر

* اگر پس از اسم اشاره، اسمی بدون ال بیاید، آن اسم خبر می باشد ← **هؤلاء رَجُلٌ** این ها مرد هستند

* ضمایر منفصل مرفوعی (هو، هما، هم انا، نحن) + خبر (اسم/فعل/جارو مجرور) = جمله اسمیه

هو علی

* خبر مفرد اگر جزء مشتقات (اسم های فاعل ، مفعول و...) باشد ، در تعداد و جنس از مبتدا تبعیت می کند.

المعلماتُ صابراتُ*

* اگر مبتدا اسمی نکره و خبر از نوع شبه جمله (جار و مجرور / ظرف (عند ، لدى و...) باشد، خبر بر مبتدا پیشی می گیرد.

خبر مقدم + مبتدای موخر ← **لی قَلَمٌ**

* در صورتی که این (جارو مجرور / شبه جمله) کامل کننده مبتدا باشد؛ اما در صورتی که با حذف آن خللی به معنا وارد

نشود، قید محسوب می شود نه خبر. **فی طهران الآثار القديمية جميلة**

* اولین فعلی که بعد از "التي ، الذي ، الذين ، من ، ما" را هرگز خبر نگیرید!!! **الذي جاء الى عليّ.**

* **هناك / جارو مجرور ، ظرف (عند ، لدى) + اسم مرفوع** ← جمله اسمیه (در صورتیکه مکمل معنای مبتدا باشد)

هناك اسئلةٌ كثيرةٌ - في البيت صاحبه

* اگر اسامی اشاره در ابتدای جمله ذکر شوند: (در ترجمه حتما به معنای اسامی شرط دقت کنید)

۱) اسم اشاره + اسم بدون ال: مبتدا و خبر (بصورت اسنادی ترجمه می شود): **هذا كتابٌ؛ این کتاب است**

۲) اسم اشاره + اسم ال دار: باهم ترجمه می شوند: **هذه حقيبة صديقي العزيز؛ این کیف دوست عزیزم**

نکته ۴: ترکیب اضافی

* اسم های مثنی و جمع مذکر سالم هرگاه مضاف شوند ، از "نون" خوردن می افتند ؛ **نون آخرشان حذف می شود!!!**

معلمون + المدرسة ⇐ **معلمو المدرسة**

* (مضاف ال می پرونه مضاف تتوین پرونه)

* اسم + ضمیر ⇐ ترکیب اضافی ⇐ **معلم + ی معلمی**

(این نکته در حرکت گذاری و محل اعرابی کلمات به کار می آید!!!)

* پس از اسامی زیر همواره مضاف الیه خواهیم داشت؛

عند ، فوق ، تحت ، أمام ، خلف ، بین ، قبل ، بعد ، جنب ، قرب ، داخل ، خارج ، نحو ، حول ، وراء ، مع ، كل ، بغض ، جميع ، ذو ، ذا ، ذی

* پس از فعل ها ، ضمائر ، اسامی اشاره و اسم های علم هرگز مضاف الیه نخواهیم داشت !

هذا الكتاب (مشار الیه)

* اگر اسمی هم مضاف الیه داشته باشد هم صفت ، در زبان عربی ابتدا مضاف الیه و سپس صفت می آید.

ولی در ترجمه ابتدا صفت را معنا می کنیم.

در عربی ؛ موصوف + مضاف الیه + صفت (یک سه دو) در فارسی ؛ موصوف + صفت + مضاف الیه

وردتی الجميلة ← گل زیبای من

* کلماتی مانند "الذی، الّتی، الذین،" در صورتیکه معنای "که دهند صفت هستند؛ در غیر اینصورت میتوانند هر نقشی بگیرند

الرجلُ الذی جاء الی عمیّ: صفت

المعلّم الذی یدرسُ فی المدارس و الجامعات: خبر

نکته ۵: مشتقات (اسم فاعل ، مفعول ، مبالغه ، تفضیل ، مکان و زمان)

* اسم فاعل مجرد بعضی کلمات بر وزن " فال " می آید ؛ ضالّ = ضالّ / شابّ = شابّ

اسم فاعل با «مـ» ویژه باب های ثلاثی مزید است: یَجْتَهِدُ ← مُجْتَهِدٌ

همان طور که اسم تفضیل برخی کلمات بر وزن " أفلّ " می آید ؛ أشدّ = أشدّ

* اسم تفضیل برای بیان برتری و مفاضله بین ۲ شیء به کار می رود؛ بنابراین واژگانی که دلالت بر رنگ و عیب و بیماری می کنند با آنکه بر همان وزن اسم تفضیل اند ولی اسم تفضیل نیستند.

مهمترین آن ها عبارتند از ؛ أسود - أبيض - اصغر - أعمی - أصم - أبکم

* در زبان عربی برای تشخیص ۲ مورد باید به مفرد آن کلمه نگاه کرد؛

الف) جامد یا مشتق بودن کلمات (اسم فاعل - مفعول - مبالغه - تفضیل - مکان و زمان) ؛ مشاهیر : مشتق اسم مفعول (جمع مشهور)

ب) مذکر یا مؤنث بودن ؛ طلبة ⇐ مذکر (جمع طالب)

* خیر و شرّ اگر به معنای " خوبی - بدی " باشند ، مصدر و اگر به معنای " بهتر، بهترین - بدتر، بدترین " باشند ، اسم تفضیل اند.

الخیرُ فی حُسنِ الخُلُقِ ؛ خوبی در خوش اخلاقی است. (مصدر)

عداوة العاقل خیرٌ من صدّاقَةِ الجاهلِ ؛ دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است. (اسم تفضیل)

* حواسمان باشد که اسم مفعول فقط از فعل متعدی ساخته می شود.

* معمولاً برای مقایسه دو اسم مونث، از اسم تفضیل مذکر استفاده می شود.

فاطمة أكبر من زينب

* "آخر - آخری - أدنی - دنیا-أولی" اسم تفضیل اند ولی "آخر - آخره" اسم فاعل می باشد.

* کلماتی مثل "مقر، مفر، مکان، محل، مطب و..." اسم مکان هستند.

اسامی بز وزن "مفعی" اسم مکانند؛ **مصفی**

در تشخیص اسم مکان و زمان به وزن توجه شود نه معنا! **مثل: بیت، دار و...**

* هر اسمی که با میم مضموم شروع شود :

اگر حرکت حرف ماقبل آخرش (عین الفعل) کسره باشد؛ اسم فاعل مزید

اگر فتحه باشد؛ اسم مفعول مزید است.

"وزن مفاعلة" هم می تواند مصدر باشد و هم اسم مفعول مونث؛ از طریق معنا می توان میان تمایز قائل شد.

ألقى العلماء محاضرات حول قضية كورونا. (اسم مفعول مونث) مجالسة العلماء عبادة (باب مفاعلة)

نکته ۶: ثلاثی مزید

* تعداد حروف زائد در فعل های ثلاثی مزید بر اساس صیغه ۱ ماضی آنها مشخص می شود.

* باب های "افعال، تفعیل، مفاعلة" ۱ حرف زائد دارند.

* باب های "افتعال، انفعال، تفاعل، تفعّل" ۲ حرف زائد دارند.

* تنها باب "استفعال" ۳ حرف زائد دارد.

* فعل امر در باب "افعال" با ا شروع می شود. **أجلس** ⇐ امر باب افعال ⇐ **إجلس** امر ثلاثی مجرد

* فعل های ماضی در باب "تفعّل، تفاعل" با "ت" شروع میشوند؛ دقت کنیم که آن ها را با فعل مضارع اشتباه نگیریم.

* فعل های باب "افعال، تفعیل" معمولاً متعدی (گذرا به مفعول) و فعل های باب "انفعال" لازم (ناگذر) هستند.

ألبس ⇐ پوشاند (متعدی) **إنكسر** ⇐ شکسته شد (لازم)

* فعل های مضارع باب های "افعال، تفعیل، مفاعلة" با "ـ" شروع می شوند؛ پس برای تشخیص آن ها از فعل های مجهول باید عین

الفعل (دومین حرف اصلی فعل) توجه نماییم.

يُطالعُ ⇐ مضارع معلوم ⇐ **يُطالعُ** ⇐ مضارع مجهول

* کلماتی مثل "ایصال-ایمان-ایتاء-ایهام و..." مصدر باب افعال هستند.

* اگر فعلی با "ا" یا "ت" شروع شود، از باب "افتعال" است. **اتَّحَدَ-اتَّصَلَ**

☛ در شک بین باب افتعال و انفعال به "تت" بعد از الف توجه کنید اگر این "تت" رو دیدی، باب افتعال داریم:

انتقاد (افتعال) - انتشار (افتعال)

* باب تفاعل بر مشارکت دو طرفه دلالت می کند. پس در ترجمه آن از کلماتی مانند "باهم-باهمديگر" استفاده می کنیم. اما باب مفاعله مشارکت یک طرفه را می رساند و در معنای آن از کلمه "با" بهره می گیریم.

نکته ۷: معلوم و مجهول (لازم و متعدی)

* فقط فعل های متعدی را می توان مجهول کرد؛ بنابراین افعال ناقصه (کان، صار و...) متعدی نبوده و مجهول نمی شوند.

* المبنی للمجهول = فعل مجهول المبنی للمعلوم = فعل معلوم

ماضی: --- (شد) مضارع: --- (می شود)

* وزن "فَعْلٌ" و باب "انفعال" همواره لازم است.

کُثِرَ: زیاد شد انْفَتَحَ: باز شد

* وقتی ضمیر مفعول باشد، برای مجهول کردن فعل را به صیغه ضمیر می بریم.

نحفظکِ ← کِ صیغه مفرد مونث مخاطب؛ **تُحَفِّظِينَ**

* در معلوم و مجهول کردن فعل، زمان جمله تغییری نمی کند و ثابت می ماند.

* اسم + فعل + اسم ← اسم دوم معمولاً مفعول به است. **عَلِيٌّ أَكَلَ التَّفَاحَ (مفعول به)**

عناوین زیر معادل فعل مجهول است:

عَيْنٌ فَعْلًا فَاعِلُهُ غَيْرٌ مَعْلُومٌ / عَيْنٌ مَا لَا نَعْرِفُ فَاعِلَهُ / مَيِّزٌ فَاعِلًا مَحذُوفًا و...

نکته ۸: فاعل و رابطه آن فعل

* اگر فاعل یک اسم ظاهر باشد، ویژگی های زیر را داراست؛

۱ بعد از فعل می آید ۲ مرفوع است ۳ مطابقت جنس با فعل جمله

* اگر فاعل اسم ظاهر باشد، فعل ابتدای جمله به صورت مفرد می آید و فقط از نظر جنس با فاعل مطابقت می کند.

جاء المعلمون

* "ت" در صیغه ۴ (لغائبة) فعل های ماضی، فاعل نیست بلکه علامت تأنیث است.

خَرَجَتْ الطالِبَاتُ

* فعل + ضمیر منفصل مرفوعی (هو، هما، هم....، أنا، نحن) ⇨ این ضمیر نقش تاکید برای فعل را بازی می کند.

نغرسُ نحنُ (تاکید)

نکته ۹: فعل مضارع

* حالات مختلف فعل مضارع از نظر اعرابی به صورت زیر است:

الف) آن، کن، کی، لکی، ل، حتی، إذن + فعل مضارع ⇨ - **أَنْ يَكْتُبَ**

ب) لم، لَمَّا، لای نهی، ل امر غایب، إن، من، ما + فعل مضارع ⇨ سکون **لَمْ يَكْتُبْ**

ج) در غیر این صورت، فعل مضارع - می گیرد ⇨ **يَكْتُبُ**

آنگاه که ادوات ناصبه و جازمه بر صیغه های فعل مضارع که دارای نون هستند، داخل شوند، نون از آخر آنها حذف می شود بجز جمع مونث غایب و مخاطب که تا ابد ثابت هستند و حذف نمی شوند!

نکته ۱۰: مفعول مطلق

* مفعول مطلق تاکیدی برای "رفع شک و تردید" از وقوع فعل به کار می رود در حالیکه مفعول مطلق نوعی برای "بیان کیفیت و چگونگی وقوع فعل" استفاده می شود.

* مفعول مطلق تاکیدی همیشه مصدری منصوب، نکره و جامد است و ممکن است بعد از قید زمان یا حال بیاید که در اینصورت هم مفعول مطلق تاکیدی است.

تَدورُ عقربُ الدقائقُ دَوْرَةَ دائِمًا

* اگر بعد از مفعول مطلق مضاف الیه بیاید، مفعول مطلق الف و لام و تنوین نصب نمی گیرد. (مفعول مطلق نوعی)

أَكْرَمَ صَدِيقَكَ إِكْرَامَ الْأَخ.

* مصدری که نکره اند، اگر در اول جمله بیاید، مفعول مطلق تاکیدی اند ولی اگر در وسط و آخر جمله بیایند ممکن است نقش

های دیگری من جمله: اسم حروف مشبیه بالفعل، خبر افعال ناقصه و مفعول به برای افعال ۲ مفعولی (جعل، اعطى، سمى و....)

بگیرند.

صبراً یا امی (مفعول مطلق تاکیدی)

جعل الامام للناس حقاً (مفعول به)

* در ترجمه مفعول مطلق تاکید الفاظ "قطعاً، حتماً و.." را قبل از فعل ذکر می شود نه اول جمله!

اصبروا علی المشاكل صبراً: بر(در برابر) مشکلات قطعاً صبر کنید.

☛ مصدر به هیچ عنوان نباید ترجمه شود.

☞ اگر بعد از مفعول مطلق نوعی، مضاف الیه بیاید، می توان از آن نوعی تشبیه استخراج کرد؛ به همین سبب است که در ترجمه آن از ادوات تشبیه بهره میبریم!

إنك تعديتَ علی نظام الطبيعة تعدی الظالمین؛ بی شک تو به سان ستمگران به نظام طبیعت تجاوز کردی.

نکته ۱۱: حال

* فرم های زیر در صورتی که مفعول به ، خبر کان و ... نباشند ، حال مفرد محسوب می شوند ؛

(حال مفرد ← مشتق - نکره - منصوب)

مُ...أ مُ...ة مُ...ین مُ...ات

لَيْسَ الطَّلَابُ مُبْتَسِمِينَ تَرَكَ الطَّلَابُ قَاعَةَ الامْتِحَانِ مُبْتَسِمِينَ

* وَّحَد + ضمائر متصل "ه، هما و هم و ... ی، نا / (جمعاً، معا) ← حال جاء علی وَحدهُ

* حال باید با مرجع حال (ذوالحال / صاحب حال) که حتماً یک اسم معرفه است، از نظر جنس و عدد مطابقت کند.

ذَهَبَتْ فَاطِمَةُ عَاجِلَةً.

نکته ۱۲: حصر و استثناء

* هرگاه ساختار إلا در جمله ای مثبت باشد ، حتماً اسلوب استثناء خواهیم داشت، ولی اگر منفی یا سوالی باشیم ، باید ساختار جمله را نگاه کنیم .

جاءَ الطُّلابُ إلى الصَّفِّ أَلَّا عَلِيًّا

* اگر در جمله قبل از إلا مستثنی منه یافت شود ، ساختار استثناء وجود دارد ، در غیر این صورت اسلوب حصر خواهیم داشت.

لِكُلِّ مَرِيضٍ دَوَاءٌ إِلَّا المَوْتَ ← استثناء

ما أنشدَ الشاعرُ إِلَّا قَصِيدَةً رَافِعَةً فِي مَدْحِ رَسولِ اللَّهِ ← حصر

↑ در جمله قبل إِلَّا مستثنی منه وجود ندارد پس اسلوب حصر داریم.

* اگر در جمله قبل از إِلَّا نقشی کم داشته باشیم ، در جمله حصر وجود دارد در غیر این صورت استثناء خواهیم بود .

لا تَفْعَلْ إِلَّا مَا يُقْرَبُكَ مِنَ اللَّهِ ⇐ حصر لا ينجح الإنسان في حياته إِلَّا المجدين

* در ترجمه جملاتی که اسلوب حصر دارند ، می توانیم فعل را مثبت ترجمه کرده و به جای "إِلَّا" از " فقط ، تنها " بهره می بریم.

لا تُعْبَدُوا إِلَّا اللَّهَ ⇐ فقط خدا را پرستید

* ساختار استثناء همواره مثبت است و اسم بعد از إِلَّا همواره منصوب است.

حَضَرَ الطَّلَابُ فِي الصَّفِّ إِلَّا عَلِيًّا.

* هرگاه در جملات قبل از إِلَّا یکی از کلماتی که بر اسم عام و جمع دلالت میکنند(أحد ، کل ، شی ، جمیع)وجود داشته باشد، معمولاً ساختار استثناء خواهیم داشت.

ما جاء أحدٌ إِلَّا سعيداً

* اگر در جمله ای بعد از إِلَّا ضمائر جمع (هم ، هن ، کم ، کن ، نا) همراه با حرف جر به کار رفته باشد، معمولاً ساختار استثناء به کار رفته است.

ما رأيتُ المعلماتِ إِلَّا واحدةً منهنَّ.

* هر گاه بعد از إِلَّا یک اسم مرفوع بیاید، حتما ساختار حصر و اختصاص داریم.

هذا كتابٌ لا يعرفه إلا المجدونَ

* اگر با برداشتن ادات استثناء (إِلَّا) جمله با مستثنی معنا دار و کامل شود، ساختار موجود در جمله حصر و اختصاص است.

لا تسقط ورقةٌ واحدةٌ من شجرةٍ إِلَّا بإذنِ الله؛ به اذن خدا تک برگی از درختی نمی افتد.

(معنا کامل است؛ پس حصر به کار رفته است)

* در تعیین نوع استثناء به روش ترکیب کردن دقت کنیم که به جز صیغه های ۱۴، ۱۳، ۷ مضارع، فاعل باید به صورت اسم ظاهر یا ضمیر بارز باشد، در غیر اینصورت جمله حصر و اختصاص دارد.

لا تنجح في الحياة إِلَّا النشيطاتُ (فاعل و مرفوع)

در دو مورد اسلوب حصر داریم (آلّا از نوع حصر است)

۱. بعد از الا فعل بیاید

ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرَسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ

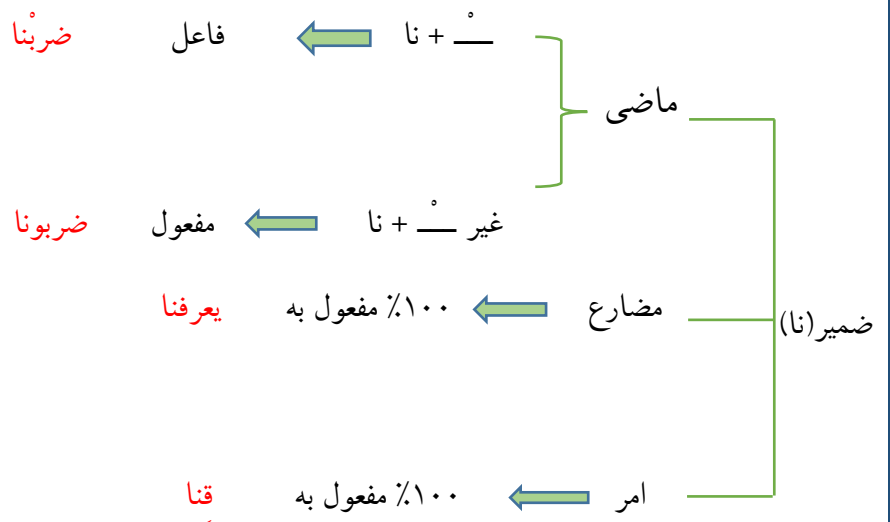
۲. بعد از ادات استثناء حرف جری بیاید که مانندش در قبل الا نیامده باشد

لا يَعْتَمِدُ الطَّالِبُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ

نکته ۱۲+۱: ضمائر

* ضمیر(ی): ملاک تشخیص، نون وقایه است؛ اگر نون وقایه نباشد ⇨ فاعل لا تحزنی

اگر نون وقایه باشد ⇨ مفعول يعرفنی (فعل مضارع + نون وقایه + ی)



* پس ضمیر "نا" در تمام حالات نقش مفعول دارد، مگر زمانی بعد از فعل ماضی مختوم به ساکن آید که فاعل است.

نکته ۱۴: لای نفی جنس

* نفی لای جنس از بقیه ادوات نفی، قوی تر و گسترده تر است.

* لای نفی جنس = لای ناسخه : ۱) اسم لای نفی جنس الف و لام نمیگیرد. ۲) نکره است. ۳) اسم لا نباید فعل باشد؛ چون این

لا بر سر جمله اسمیه داخل می شود. ۴) ترتیب فرمول زیر همیشه ثابت است:

لا + اسم لا (مبنی بر فتح محلا منصوب) + خبر ⇨ لا ثروة كالأدب.

* در ساختار شرط، اگر فعلی به واسطه حروف عطف " و، ف، ثم، أو، أم " بعد از فعل شرط بیاید، هرگز نمیتواند جواب شرط باشد.

مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ يَتَّقِ اللَّهَ فَهُوَ حَسْبُهُ

اگر جواب شرط شامل موارد زیر باشد، حتما باید همراه با فاء بیاید:

۱. جمله اسمیه باشد:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

مَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ

۲. فعل امر باشد:

إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ

۳. فعل مضارع همراه لام جازمه باشد:

مَنْ يَعَامِلِ النَّاسَ بِالسُّوءِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَاقِبَتِهِ.

۴. حروف مشبیه به همراه جمله اسمیه باشد:

مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ.

۵. فعل نهی باشد:

إِذَا كَانَ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلْ بَيْنَهُمَا.

۶. س / سوف باشد:

إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ نَخْرُجُ كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ

إِنْ اسْتَمَرَّتِ الْحَالَةُ فَسَتُشَاهَدُ مَشَاكِلَ جَدِيدَةً فِي الْبَيْتَةِ

إِنْ لَمْ تَزُرْنِي فَلَنْ أَزُورَكَ.

۷- لن+فعل مضارع باشد:

*فعل شرط و جواب شرط باید از نظر صیغه بایکدیگر منطبق باشند.

إِنْ تَدْرُسْ تَنْجَحْ

نکته ۱۶: جار و مجرور

* برای شناخت جار و مجرور به موارد زیر توجه داشته باشید که علی رغم تغییر شکل ظاهری، باز هم جار و مجرورند؛

مِنْ + مَنْ ⇐ مِمَّنْ

مِنْ + مَا ⇐ مِمَّا

عَنْ + مَا ⇐ عَمَّا

عَلَى + مَا ⇐ عَلَامَ

نکته ۱۷: لام ناصبه و جازمه

* تشخیص لام ناصبه از لام جازمه:

الف) اگر در جمله ۲ فعل وجود داشت و فعل دوم علت انجام فعل اول را بیان می کرد، لام ناصبه است و نباید بین ۲ جمله "و- آن-حتی و.." بیاید ولی اگر لام جازمه در جمله ۱ فعلی می آید.

أذهبُ إلى المكتبة لأطالعَ دروسی. الأُمَّةُ المسلمةُ لتستيقظَ من نوم الغفلة.

ب) اگر در وسط جمله ادوات ناصبه بیاید، لام اول جمله حتما جازمه خواهد بود.

ليستيقظَ كل المسلمين من نوم الغفلة حتى يأخذوا حقهم من الظالمين.

ج) لام جازمه فقط بر سر صیغه های غایب و متکلم می آید.

د) بهترین و مطمئن ترین روش تشخیص، ترجمه می باشد.

نکته ۱۸: حروف مشبیه بالفعل و افعال ناقصه

* اگر بعد از حروف مشبیه بالفعل و افعال ناقصه، شبه جمله (ظرف / جار و مجرور) بیاید و پس از آن اسمی نکره قرار گیرد، شبه جمله حتما خبر مقدم است.

إنَّ في الصفِّ تأخيراً.

هریک از حروف مشبیه بالفعل دلالت های معنایی خاصی دارند که به آن ها اشاره می گردد:

۱. إنَّ: تاکید کل جمله ⇐ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

۲. أنَّ: رابط دو جمله ⇐ وجدوا أنَّ أكثر الاسماك المنتشرة على الأرض من نوع واحد.

۳. کَانَ: تشبیه یا تخمین و گمان ⇨ کَانَ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ / کَانَ السَّمَاءَ تُمَطَّرُ أَسْمَاكَ (تخمين و شک)

کَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ (تشبیه) / إِنْكَ تَعَدَّيْتَ عَلَيَّ نِظَامَ الطَّبِيعَةِ تَعَدَّى الظَّالِمِينَ (تشبیه)

۴. لَكَنَّ: رفع ابهام از جمله ماقبل:

المشتری متردد فی شراء البضاعة و لكنّ البائع عازم علی بیعها.

۵. لیت؛ افاده "تمنی و عدم وقوع آن چیزی که آرزوی آنرا داریم" / محال بودن وقوع چیزی

لِيتَ الشَّبَابُ يَعُودُ يَوْمًا

۶. لعل: ترجی و امید به حصول آن چیز ⇨ لَعَلَّكُمْ تَصَلُّونَ إِلَى أَهْدَافِكُمْ.

* لیت / لعلّ + فعل مضارع: مضارع التزامی

* لیت / لعلّ + فعل ماضی: ماضی استمراری / بعید (البته استمراری ارجح است)

لكنّ را با موارد زیر اشتباه نگیرید:

۱- با حرف عطف لكن (بدون تشدید): هذه الحبوب غير مسموحة و لكنّ أنا بحاجة اليها

۲- لو+.....+ل+کن: لو كُنَّ مَجْتَهِدَاتٍ لَكُنَّ نَاجِحَاتٍ

۳- ل جارّه+کن (ضمیر): أهدى المدير هدية لَكُنَّ

* در صورت دیدن "کان" به نکات زیر توجه داشته باشید:

۱. در صورتیکه به امر ثابت و پایدار اشاره کند (امور اخلاقی، صفاتی درباره خدا، ویژگی های طبیعی مانند سبز بودن زمین در بهار و...)، معنای "است" دارد.

كَانَ الشِّتَاءُ بَارِدًا / كَانَ اللهُ عَلِيمًا.

۲. کان + مضارع: غالباً ماضی استمراری کنتُ أَذْهَبُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ لِمُطَالَعَةِ دَرُوسِي.

(البته سیاق جمله در ترجمه تاثیر گذاره)

* باید توجه داشت اگر کان + مضارع درباره خداوند و امور ثابت به کار رود، مضارع اخباری / التزامی ترجمه می شود؛

طلب من الرجل موعظة تمنعه من ارتكاب المعاصي: از مرد پندی خواست که او را از ارتکاب گناهان باز می دارد (دارد)

۳. کان + ماضی: ماضی بعید یا ساده کَانَ الطَّلَابُ قَدْ ذَهَبُوا إِلَى الْمَلْعَبِ

* از میان افعال ناقصه "لیس" فقط بصورت ماضی کاربرد دارد:

لستُ عالماً بهذا الموضوع

*کان را با "کون و تکون"، صار را با "سار و صیر" اشتباه نگیرید.

نکته ۱۹: جمله وصفیه

* جمله وصفیه به جمله ای که بعد از اسم نکره می آید، گویند و نباید بین اسم نکره و جمله وصفیه کلمات زیر قرار بگیرد:

و، ف، أن، ل، لأن، حتی، أن و...

ابحثُ عن کتابٍ یناسب ثمنه قدره. (جمله وصفیه)

* جمله جواب شرط را جمله وصفیه نگیرید!!!

مَنْ یَعْرِفُ الْبَحْرَ مَعْرِفَةً یَعْلَمُ أَنَّهُ مَصْدَرُ قُوَّةٍ عَظِيمَةٍ.

نکته ۲۰: صفت (نعت)

* صفت در ۴ مورد با موصوف خود مطابقت می کند؛ جنس - اعراب - عدد - معرفه / نکره (رمز: جامع) ک

الرجل العالم

موارد زیر صفت به حساب می آیند:

جاءَ معلّمٌ ذو علمٍ

الف) اسم نکره + ذو، ذا، ذی + اسم نکره

هذه مجلاتٌ غیرٌ طَبِیَّةٍ

ب) اسم نکره + وزن "أفعل" و "غیر"

الشمس التي

ج) اسم ال دار + التي / الذی / الذین

* صفت برای اعضای زوج بدن (عین، رجل، ید و...) و برای کلماتی مثل "أرض، شمس، دار و...." بصورت مفرد مونث آورده

می شود.

الشمس المضيئة

* اعداد ترتیبی بجز عدد اول بر وزن فاعلند و معمولاً صفت واقع می شوند (دو تا ال دار)

الدرس الثانی

* معدود اعداد شمارشی ۳ تا ۱۰ جمع و مجرور است و با عدد خود از لحاظ جنس مخالفت می کنند.

أربع مدارس

* نام دیگری که اعداد ترتیبی در سوالات دیده می شود، اعداد وصفی، اعداد تابع، عدد نعت و عدد صفت است و توجه داشته باشید که عدد ترتیبی حکم تابع را دارد و حتماً باید ال داشته باشد.

* برای بیان ساعت، از اعداد ترتیبی استفاده می کنیم. به یاد داشته باشیم که برای ساعت یک "الساعة الواحدة" می آوریم.

* اگر اسم علمی ال داشت، آن اسم معرفه به ال نیست بلکه معرفه به علم است. الحسین

* هر اسمی که تنوین داشته باشد نکره است به جز اسم علم.

* اگر یک اسم نکره ای در جمله آید و همان اسم مجدد با "ال" در جمله تکرار شود این "ال" در ترجمه به معنای "این/آن" است

رایتُ افراساً، کانت الافراس جنب صاحبها = اسبهایی را دیدم، آن اسبها در کنار صاحبشان بودند

* تفاوت إنَّ و أنَّ و اِنَّ و اَنَّ ؛

إنَّ ؛ ابتدای جمله می آید و از حروف مشبهة بالفعل است.

أَنَّ ؛ حرف ربط است و وسط جمله می آید.

إن ؛ از ادوات شرط است و فعل مضارع را مجزوم می کند. (إن + فعل شرط + + جواب شرط)

أن ؛ از حروف ناصبه است و فعل مضارع را منصوب می کند. (أن + فعل مضارع منصوب)

* بعد از إنَّ و أنَّ فعل قرار نمیگیرد!!!

* ألا: ۱- ادات تنبیه به معنی آگاه باش ۲- ادات استثناء + لای نفی که با حرف تنبیه فرق دارد.

ألا تعلم؟ آیا نمیدانی؟

* هرگاه اسمی جمع غیر عاقل باشد، صفت، ضمیر، اسم اشاره، حال و خبر آن بصورت مفرد مونث می آید.

الکُتُبُ النّافِعةُ (صفت)

* وقتی بعد از آن ناصبه، لا نافیه بیاید، نون حذف می شود و به ادات استثناء (إلّا) شباهت پیدا میکند؛ در صورتیکه بعد از ادات استثناء معمولاً اسم می آید ولی بعد از آن ناصبه فعل:

أَن + لَا + يَذْهَبُ = أَلَا يَذْهَبُ مَا جَاءَ الطَّلَابُ إِلَّا زَيْدًا

* "لَمْ" با "لَمْ" اشتباه نگیرید. "لَمْ" مخفف "لماذا" از ادوات پرسشی به معنای "برای چه - چرا" است و تغییری در ظاهر فعل ایجاد نمی کند.

* ما من.... معادل مفهومی لای نفی جنس است.

* کلمات "عسی/ربّما/لعلّ" دلالت بر شک و تردید دارند. (البته ممکن است فضای تست به گونه ای دیگر باشد)

* یا+ل+ضمیر + من دیگر ساختار منادا ندارد و مفهوم تعجبی از آن استنباط می شود.

یا له من عمل مخرب: چه کار ویرانگری!

* قد+ فعل ماضی: تحقیق و تاکید (ماضی ساده/ماضی نقلی) قد+ فعل مضارع: تقلیل (گاهی/شاید/ممکن است)

انواع من

(۱) موصوله (معرّفه)؛

۱. اگر وسط جمله بیاید حتما موصوله است

۲. حرف جر + من / ما / من و ما موصول

(۲) شرطیه (نکره - جازمه - عامله)؛

معمولاً اول جمله می آید و بعد از آن دو فعل جازم خواهیم داشت.

۳) استفهام (نکره)؛ اسمی که اول جمله می آید. **من / ما + اسم / جار و مجرور**

در جملاتی که "هل-أ" در آن ها به کار رفته، "من - ما" به کار رفته در آن جملات استفهام است.

انواع ما

۱) موصوله (معرفه)؛

معمولاً وسط جمله می آید.

ما + صله + خبر (اسم مرفوع) ⇐ در این ترکیب "ما" اول جمله آمده ولی موصوله است.

۲) شرطیه (جازمه، عامله، نکره)؛

معمولاً اول جمله می آید و بعد از آن دو فعل جازم خواهیم داشت.

۳) استفهام (نکره)؛

اول جمله + اسم جار و مجرور ⇐ **ما + اسم / جار و مجرور**

۴) نفی؛

ما + فعل ماضی (گاهی مضارع)

ما + + الّا

ما + جمله اسمیه

۵) کافه؛

حروف مشبّهة بالفعل + ما + (مبتدا و خبر - فعل و فاعل)

۶) تعجیبیه (نکره، همیشه مبتدا است)؛ **ما أجمل غابات ما زاندران الخضراء**

نکته ۱: در وسط جمله فقط مای موصوله و نفی می آید.

نکته ۲: در اول جمله تمامی انواع "ما" می تواند بیاید.

نکته ۳: از بین انواع "ما" فقط "نفی و کافه" حرف هستند و بقیه اسمند.

بازی با الفاظ

نکره = شرطیه = جازمه = عامله ⇐ من و ما شرطیه

نکره و استفهام ⇐ من و ما استفهام

موصوله = معرفه ⇐ من و ما موصوله

انواع لا

- ۱) نهی (جازمه ، عامله) ⇐ لا + مضارع مجزوم
- ۲) نفی ⇐ لا + مضارع
- ۳) نفی جنس (ناسخه ، عامله) ⇐ لا + اسم (ال و تنوین نمیگیرد و نکره است)
- ۴) عطف ⇐ لا + اسم (جمله قبل از لا باید مثبت باشد)

انواع تاکید

۱. جارو مجرور+ فعل ⇐ **على الله فليتوكل المومنون.**
 ۲. **إن:** تاکید کل جمله ⇐ **إن نزل المطر شيء طبيعي.**
 ۳. مفعول مطلق تاکیدی: تاکید فعل ⇐ **استغفرت الله استغفاراً.**
 ۴. ضمیر منفصل منصوبی قبل از فعل ⇐ **إياك نعبد**
 ۵. ضمیر فصل ⇐ اسم معرفه + ضمیر منفصل مرفوعی + اسم معرفه ⇐ **المومنون هم الذين يعبدون الله.**
 ۶. **إن** + اسم + ل (مزحلقة) + خبر ⇐ **إن الله لذو فضلٍ على الناس** (لام جزء حروف جر نیست!!)
 ۷. **لقد** + ماضی ⇐ **لقد أرسلنا نوحا إلى قومه**
 - ۸- **لو**+.....+ **ل** ⇐ **لو كنتَ فظا غليظ القلب لانظفوا من حولك** (ماضی استمراری)
 - ۹- فعل متکلم مع الغیر (صیغه ۱۴) + کل / جمیع + نا ⇐ **تخرج كلنا من الجامعة بعد أربع سنوات**
- حصر و اختصاص:

۱. **إنما** ⇐ **إنما الناس لأُمَّ ولأب:** مردم فقط / تنها برای یک مادر و پدر هستند
۲. جارو مجرور+ فعل ⇐ **إياك نعبد و إياك نستعين**
۳. نفی و الا ⇐ در صورتیکه قبل از الا کامل نباشد (حصر)
و ما الحياة الدنيا إلا لعب و لهو: زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است

انواع واو

۱) عطف ⇐ دو کلمه (اسم، جمله) را به هم پیوند می دهد و ارتباط برقرار می کند.

معطوف علیه + واو + معطوف

۲) قسم (جاره) ⇐ برای سوگند و قسم به کار می رود.

واو + اسم مجرور

۳) حالیه ⇐ در ابتدای جمله حالیه می آید و به معنای "درحالیکه" می باشد.

واو + اسم / ضمیر منفصل مرفوعی + خبر

انواع لام

۱) جارِه ⇐ لَ + اسم مجرور (عمدتاً مصدر)

۲) تعلیل (ناصبه) ⇐ لَ + مضارع منصوب

۳) لام امر (جازمه، امر غایب) ⇐ لَ + مضارع مجزوم (غایب متکلم) - (و، ف، ثَمَّ) + لام امر = ساکن

ضبط حرکات

* به حرکات میانی باب های ثلاثی مزید دقت کافی داشته باشید. (باب مفاعلة رو پیا) **مُطالَعَة، امتحان و...**

* اسامی فاعل، مفعول، مبالغة، اسم مکان، زمان و تفضیل در تیرر رأس طراحان قرار دارند. بنابراین یکی از دام های آموزشی این

مبحث به شمار می رود. **المَلُونَة، مُعجَب و...**

* تلفظ صحیح کلماتی را که در فارسی به کار می بریم، به خاطر داشته باشید. **خَیْر، الفارسیَّة و...**

به امید موفقیت شما

تیرماه ۱۳۹۹